

پیرامون مفهوم وفاق اجتماعی در فرهنگ‌های علوم انسانی و اجتماعی، معانی مختلفی بیان شده است. هر چند می‌توان خمیرمایه اصلی تعاریف مختلف این مفهوم را، توافق بر سر ارزش‌ها و هنجارهای

پیرامون مفهوم وفاق اجتماعی در فرهنگ‌های علوم انسانی و اجتماعی، معانی مختلفی بیان شده است. هر چند می‌توان خمیرمایه اصلی تعاریف مختلف این مفهوم را، توافق بر سر ارزش‌ها و هنجارهای اساسی یک جامعه دانست. در جامعه‌شناسی منظور از وفاق اجتماعی، اجماع شهروندان بر سر ارزش‌ها و اعتقادات مشترک است. یکی از تعاریف رایج در زمینه وفاق اجتماعی، تعریفی است که «نیک‌کهر»، از این اصطلاح ارائه می‌دهد. او وفاق را ملات یگانگی اجتماعی می‌داند که از کنش‌های افراد نتیجه می‌شود (نیک‌کهر، ۱۳۷۳: ۳۶۹). «عبداللهی» نیز وفاق را، اجماع بر سر ارزش‌ها، اعتقادات و مجموعه‌ای از اصول مورد توافق می‌داند که نتیجه تعاملات اجتماعی است (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۷).

ازجمله مباحثی که در زمینه وفاق اجتماعی مطرح شده، آن است که هر جامعه‌ای با هر سطحی از پیشرفت و توسعه، با گونه‌هایی از وفاق اجتماعی روبه‌روست. جامعه‌ای پیدا نمی‌شود که سطح یا گونه خاصی از وفاق اجتماعی را نداشته باشد. به این سبب در جوامع مختلف اعم از صنعتی یا غیرصنعتی، شهری، روستایی و عشایری، توسعه‌یافته و درحال‌توسعه، با گونه‌های مختلفی از وفاق مواجه هستیم. می‌توان از وفاق کامل تا وفاق کاذب سخن گفت. وفاق کامل در یک گروه، زمانی محقق می‌شود که اکثریت، وجود یک توافق را با همدیگر درک کنند. اگر اکثریت با وجود پذیرش اختلاف، با هم وفاق داشته باشند، در این حالت، وفاقِ کثرت‌گرایانه، شکل می‌گیرد و اگر اکثریت به توافق نرسند، اما فکر کنند که به توافق رسیده‌اند، وفاق کاذب به وجود خواهد آمد (scheff,1967. 33).

«چلبی»، از نخستین کسانی است که در ایران در زمینه وفاق اجتماعی، به‌گونه‌ای سازمان‌یافته بحث کرده است. او وفاق را بر دو گونه تقسیم می‌کند. وفاق منفعل و غیرقراردادی و وفاق فعال و قراردادی. او معتقد است که در جوامع امروزین نمی‌توان از همان مفهومی استفاده کرد که در گذشته مطرح بوده است. از نگاه وی، جامعه ما در گذشته، به تعبیر ساده‌اش، جامعه‌ای قطعه‌ای بوده و نوع وفاق حاکم در آن نیز، از نوع انفعالی و غیرقراردادی بوده است. به عقیده او، جامعه امروزی، جامعه‌ای انجمنی است که وفاق خاص خود را می‌طلبد. چلبی این نوع وفاق را، فعال یا قراردادی می‌نامد. او معتقد است در زمان حاضر، ما به نوعی وفاق نسبی، فعال و فراگیر نیازمندیم که همه به صورت داوطلبانه در زیر چتر آن قرار گیرند. به این‌گونه چلبی ویژگی‌های این نوع وفاق را، یکی فراگیربودن آن می‌داند که تمام جمعیت با خرده‌فرهنگ‌ها را زیر چتر خود قرار دهد و دوم اینکه، در زیر این چتر افراد بتوانند داوطلبانه وارد یا خارج شوند، یعنی مشارکتی باشد. (چلبی، ۱۳۷۹) چلبی این نوع از وفاق را، وفاق اجتماعی عام و تعمیم‌یافته می‌نامد که شکل‌گیری آن را در هر جامعه‌ای باعث فراهم‌شدن ثبات سیاسی، مشارکت و همکاری اجتماعی، حل‌کردن دو مشکل بنیانی (پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای اجتماعی و تعاون اجتماعی)، برخورد فعالانه با فرهنگ‌های بیگانه و کاستن از شکاف بین اخلاق نظری و اخلاق عملی می‌داند. به تعبیر دیگر، او دستاورد این نوع وفاق را، کاستن از امکان بروز فساد اخلاقی، سیاسی و اداری مانند ریاکاری، پارتی‌بازی، قوم‌خویش‌بازی، کم‌کاری، رشوه‌خواری و اخلاص عنوان می‌کند (چلبی، ۱۳۸۵: ۵-۱۵).

به‌طورکلی می‌توان گفت: در وفاق تعمیم‌یافته، افراد آگاهانه و براساس منافع جمعی، با تکیه بر عنصر عقل و خرد زیر چتری گردهم می‌آیند که فارغ از رنگ، نژاد، مذهب، نوع جنس، وابستگی به قوم و گروه، حزب یا ایل خاصی در کنار هم قرار گرفته، منافع خود را در برآوردن تمامی جمع دیده و انتخاب‌های آنها نیز عقلانی و براساس شاخصه شایسته‌سالاری صورت می‌گیرد. وابستگی‌های خویشاوندی و

وفاق انتخاباتی زیر چتر ایل

گست یا مشارکت؟

خلیل کمربیگی، پژوهشگر اجتماعی



قومی دخالت غالب در آن ندارد و مشارکت اجتماعی و سیاسی به معنای واقعی آن، انجام می‌شود. این نوع از وفاق، منجر به افزایش مردم‌سالاری در جامعه شده و راه را برای اصلاحات اجتماعی هموار کرده و از احتمال مخاصمات نیز می‌کاهد. اما در وفاق خاص‌گرایانه، وابستگی‌های قومی، نژادی، خویشاوندی، رنگ و سایر ویژگی‌های انتسابی نقش بارزی ایفا می‌کنند. چتری کوچک در مقیاسی محدود گسترانده شده که فقط عده معدودی در زیر آن جای می‌گیرند. انتخاب‌هایی که در این نوع از وفاق نیز صورت می‌گیرد، برگرفته از احساسات قومی، نژادی، خویشاوندی و طایفه‌ای و ناشی از هیستری اجتماعی است.

بیشتر صیغه‌ای سیاسی داشته و هدف اصلی مرو جان آن، دست‌یافتن آنها به نقش‌های سیاسی و مزایای اقتصادی است. با این مقدمه، به سراغ پرسش اصلی این نوشتار می‌رویم که وفاقی که در زمان انتخابات در برخی از شهرستان‌ها و مناطق دارای ساختار قبیله‌ای و طایفه‌ای، پیش می‌آید، از چه نوع وفاقی است؟ وفاق خاص‌گرایانه است یا نوعی از وفاق عام‌گرایانه شکل می‌گیرد؟ کدام نوع از این دو گونه وفاق، می‌تواند منشأ ثبات، امنیت و آرامش شود و کدام‌یک، به‌عنوان تهدیدی در راه ثبات سیاسی و عاملی برای گسترش فساد اداری و سیاسی و بروز پارتی‌بازی، خویشاوندسالاری و طایفه‌گرایی عمل می‌کند؟ تجربه انتخاب‌های پیشین در برخی از مناطق دارای ساختار ایلی و قبیله‌ای، بیانگر آن است وفاقی که در زمان انتخابات برای ساکنان این مناطق پدید می‌آید، منبعث از هویت قبیله‌ای، ایلی و طایفه‌ای است. این هویت جمعی، هیچ تعریف ثابت و معینی ندارد و متأثر از ویژگی‌های قبایل، ایلات و طوایف، حالتی سیال به خود می‌گیرد. این نوع از وفاق، با ویژگی‌هایی چون: احساس تعلق به قبیله، ایل و طایفه، تعلق به یک نقطه جغرافیایی مشترک، احساسات خویشاوندی، غیرقابل‌پیش‌بینی‌بودن رفتارها، درنظرگرفتن منافع آتی، فردی یا مزایای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای اقلیتی شناخته‌شده، که در قبایل، ایلات و طوایف گوناگون در مناطق مختلف، با شدت و ضعف بسیار

تلنگرزدن به وجدان

دکتر رستم جلالی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه

و پایان‌نامه به رشته تحریر درمی‌آورند. مراکز دانشگاهی نیز برای ارتقای اعضای هیات علمی خود، دست‌به‌دامان مقالات و نگارش کتاب می‌شوند و فارغ‌التحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز منوط به نگارش مقاله شده است. تا اینجاى مطلب هیچ مشکلی نیست و بسیار میمون نیز هست. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که نویسنده مقاله شریک پیدا می‌کند. گاه مقاله‌ای را می‌بینیم که در رابطه با جراحی قلب است ولی نویسنده‌ای با مدرک تحصیلی جغرافیا در فهرست نویسندگان دیده می‌شود. گاه مقاله‌ای فامیلی چاپ می‌شود و چند نام خانوادگی مشابه در فهرست نویسندگان با تخصص‌های متفاوت دیده می‌شود. گاهی نیز مقاله‌ای چاپ می‌شود که نویسندگان آن از اقصی نقاط کشور هستند و در تولید یک اثر بدیع علمی سهیم‌اند. گاهی این شراکت نیز بین‌المللی می‌شود و اسامی جفری، جعفر و جک در قالب

پایان‌نامه به رشته تحریر درمی‌آورند. مراکز دانشگاهی نیز برای ارتقای اعضای هیات علمی خود، دست‌به‌دامان مقالات و نگارش کتاب می‌شوند و فارغ‌التحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز منوط به نگارش مقاله شده است. تا اینجاى مطلب هیچ مشکلی نیست و بسیار میمون نیز هست. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که نویسنده مقاله شریک پیدا می‌کند. گاه مقاله‌ای را می‌بینیم که در رابطه با جراحی قلب است ولی نویسنده‌ای با مدرک تحصیلی جغرافیا در فهرست نویسندگان دیده می‌شود. گاه مقاله‌ای فامیلی چاپ می‌شود و چند نام خانوادگی مشابه در فهرست نویسندگان با تخصص‌های متفاوت دیده می‌شود. گاهی نیز مقاله‌ای چاپ می‌شود که نویسندگان آن از اقصی نقاط کشور هستند و در تولید یک اثر بدیع علمی سهیم‌اند. گاهی این شراکت نیز بین‌المللی می‌شود و اسامی جفری، جعفر و جک در قالب

پایان‌نامه به رشته تحریر درمی‌آورند. مراکز دانشگاهی نیز برای ارتقای اعضای هیات علمی خود، دست‌به‌دامان مقالات و نگارش کتاب می‌شوند و فارغ‌التحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز منوط به نگارش مقاله شده است. تا اینجاى مطلب هیچ مشکلی نیست و بسیار میمون نیز هست. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که نویسنده مقاله شریک پیدا می‌کند. گاه مقاله‌ای را می‌بینیم که در رابطه با جراحی قلب است ولی نویسنده‌ای با مدرک تحصیلی جغرافیا در فهرست نویسندگان دیده می‌شود. گاه مقاله‌ای فامیلی چاپ می‌شود و چند نام خانوادگی مشابه در فهرست نویسندگان با تخصص‌های متفاوت دیده می‌شود. گاهی نیز مقاله‌ای چاپ می‌شود که نویسندگان آن از اقصی نقاط کشور هستند و در تولید یک اثر بدیع علمی سهیم‌اند. گاهی این شراکت نیز بین‌المللی می‌شود و اسامی جفری، جعفر و جک در قالب

پایان‌نامه به رشته تحریر درمی‌آورند. مراکز دانشگاهی نیز برای ارتقای اعضای هیات علمی خود، دست‌به‌دامان مقالات و نگارش کتاب می‌شوند و فارغ‌التحصیلی دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز منوط به نگارش مقاله شده است. تا اینجاى مطلب هیچ مشکلی نیست و بسیار میمون نیز هست. مشکل از آنجا آغاز می‌شود که نویسنده مقاله شریک پیدا می‌کند. گاه مقاله‌ای را می‌بینیم که در رابطه با جراحی قلب است ولی نویسنده‌ای با مدرک تحصیلی جغرافیا در فهرست نویسندگان دیده می‌شود. گاه مقاله‌ای فامیلی چاپ می‌شود و چند نام خانوادگی مشابه در فهرست نویسندگان با تخصص‌های متفاوت دیده می‌شود. گاهی نیز مقاله‌ای چاپ می‌شود که نویسندگان آن از اقصی نقاط کشور هستند و در تولید یک اثر بدیع علمی سهیم‌اند. گاهی این شراکت نیز بین‌المللی می‌شود و اسامی جفری، جعفر و جک در قالب



بر فراز شهر

آزمایشگاه کوچکی برای آینده هیلاری کلinton!

کمیل روحانی

چندی است کلیسیای کلینتون در انتخاباتی هیلاری کلینتون در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود که اگر تبلیغاتی بودنش را فاکتور بگیریم (که البته درست به هدف هم زده بود)، پدیده جالبی را مورد بررسی قرار می‌داد، دو دختر و دو پسر که تقریباً هم‌سن (کودک) بودند، برای نشان‌دادن این‌ پدیده برگزیده شده بودند. گرچه پاسخ‌های آنها از دریچه نگاه کودکانه‌شان ناشی می‌شد، اما می‌شد تأثیر دیالوگ‌های خانوادگی و حتی گفتمان حاکم بر جامعه را در شکل‌گیری نگاه آنها مشاهده کرد. پسرها از ابتدا موضعشان عیان و به نظر قاطع بود که یک زن هرگز نمی‌تواند رئیس‌جمهور شود…

یکی از پسرها با تأثیر از کنایه‌های تحقیرآمیزی که نسبت به زنان معمولاً ایدمی و بین‌المللی است (و گاه حتی خود زنان هم از آنها استفاده می‌کنند)، گفت: زن‌ها اگر رئیس‌جمهور شوند قوانین دخترانه و زنانه‌ای را رایج می‌کنند… مثلاً آرایش را در کشور رایگان کرده و لباس دخترانه بر تن پسرها خواهند کرد. در پاسخ سؤال مجری که «در صورت وقوع جنگ، با یک رئیس‌جمهور زن، سرنوشت کشور را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟» دو پسر این برنامه قاطعانه به شکست کشور به دلیل ترس رئیس‌جمهور رای دادند و یکی از پسرها (اندرو) حتی کشور را از پیش باخته این جنگ دانست. اما دراین‌میان پاسخ یکی از دخترها هوشمندانه بود. او گفت اگر یک زن رئیس‌جمهور شود، جنگ را متوقف می‌کند تا اسان‌ها نمیرند…

در همین قافایِ بود که هیلاری کلینتون وارد صحنه شد و بچه‌ها شوکه شدند و در ابتدا همگی سکوت کردند. دخترها تا قبل از ورود کلینتون، مواضع خود را آهسته‌تر و با قاطعیت کمتری نسبت به پسرها ابراز می‌کردند. اما از زمان ورود هیلاری موضع دخترها تقویت شد و صدای پسرها به جز مواقع درخواست مجری، به قاطعیت و بلندی قبل نبود. یکی از پسرها که اندرو نام داشت پس از ورود کلینتون به‌کلی تغییر موضع داد و تا پایان کلیپ با دخترها هماهنگ بود. اما پسر دیگر که جیدن نام داشت گرچه از رئیس‌جمهور آینده درخواست‌های شگرفی هم داشت و می‌خواست مدرسه‌ها همگی تا ابد بسته شوند (که نشان می‌داد تلویحا این موضوع را پذیرفته که رئیس‌جمهور می‌تواند یک خانم باشد)، اما در پایان پذیرفت و مواضع و دیدگاهش تغییری حاصل شده… هیلاری کلینتون هم در پایان پاسخ داد: من خودم رفتار نویسندگی خود تأملی داشته باشیم و ببینیم تا چه حد بر این اصول بین‌المللی پایبند بوده‌ایم.

البته به یاد داشته باشیم دانشمندان ایرانی علاوه بر اصول بین‌المللی، ادعای دیگری دارند و آن پایبندی به آموزه‌های دینی است. به قول‌های دینی است. اصول چهارگانه شامل مداخله مؤثر در ایجاد یا طراحی مطالعه، یا کشف، تحلیل یا تفسیر داده‌ها در مطالعه و نوشتن پیش‌نویس یا بازبینی نقدانه برای داشتن محتوای قابل‌توجه علمی و تأیید نهایی نسخه قابل‌چاپ و موافقت برای پاسخ‌گویی برای تمام جنبه‌های مطالعه است و تضمین اینکه سؤالات مربوط به صحت یا یکپارچگی هر بخشی از کار به طور مناسب مورد بررسی و حل‌وفصل قرار گرفته است. علاوه بر پاسخ‌گوبودن برای همه قسمت‌های مطالعه، نویسنده باید قادر به تعیین اینکه هر همکاری مسئول اختصاصی کدام قسمت بوده است، باشد. همچنین نویسندگان باید به تمامیت مداخله همکاران اعتماد داشته باشند. همه آنهایی که به‌عنوان نویسنده مشخص شده‌اند، باید دارای چهار معیار فوق بوده و همچنین همه آنهایی که دارای چهار معیار هستند باید به‌عنوان نویسنده آورده شوند.

با نگاهی به معیارهای فوق، هر نویسنده‌ای که اسم او در عنوان یک مقاله آمده است، باید جمیع شرایط را داشته باشد. بهتر است مروری بر رفتارهای نویسندگی خود داشته باشیم. دانشجویانی که در آینده‌ای نه‌چندان دور عنان این مملکت را در دست خواهند داشت. از همه اینها گذشته اگر دانشمندان نویسنده و نویسندگان دانشمند، خرقه آلوده داشته باشند، دیگر از مردم عادی کوچه و بازار چه انتظاری باید داشت. مخلص کلام اینکه گاهی، نیم‌نگاهی به رفتار خود، بازاندیشی و تجدیدنظر لازم است…

واکنش مخاطب

از کلاه گشاد ماکیاولی تا پیشنهاد ازدواج احمدی‌نژاد

ابر اهیم بهزاد

در فصل ۱۴ کتاب «درباب شهریار» (درباب شهریار، تیم فیلم‌پیس، ترجمه مریم تقدیسی، نشر ققنوس، ۱۳۹۰، ص ۵۲) از قول ماکیاولی آمده است: «کلاه بزرگی برای خود بخریذ» و در ادامه همین مطلب آمده است: «موردتوجه واقع‌شدن سخت است و افراد بسیاری هم هستند که بی‌سروصدا به هدفشان دست پیدا می‌کنند» (همان ص ۵۲).

قضیه از این قرار است که آقای احمدی‌نژاد در پاسخ به سؤالی درباره انتخابات گفته است: «نامزدهای انتخابات هم در دوره نامزدی با هم دوست باشند و هم بعد از ازدواج همدیگر را دوست بدارند.» آقای کریم ارغنده‌پور در جواب این صحبت آقای احمدی‌نژاد در صفحه ۲۰ «شرق» به تاریخ شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۹۴ نوشته است: «ادبیات احمدی‌نژاد در برابر افکار عمومی بیش از آنکه مسئولانه باشد، خنک است…».

به نظر من، اتفاقا جناب احمدی‌نژاد با توجه به موفقیت در دو دوره ریاست‌جمهوری نشان داده است که در این بستر تاریخی شیوه گفتمان را خوب می‌شناسد و درحالی‌که در عالم سیاست «بدنامی» بهتر است از «گمنامی»، پیشنهاد ازدواج آقای احمدی‌نژاد به کاندیداهای مجلس هیچ از کلاه گشاد ماکیاولی کم نداشته و بلکه شاید این‌چنین اظهاراتی که عادت مالوف آن جناب است مانع از گمنامی‌شان نیز بشود. ضمن اینکه، حال که صحبت از «ماکیاولی» و «احمدی‌نژاد» به میان آمد، واجب شد در این خصوص چند سطر دیگر بنویسم، باشد که نه به جناب ماکیاولی ظلم شده باشد و نه بر آقای احمدی‌نژاد جنایی برود. برخلاف تصور غالب، ماکیاولی حداقل این قدرت را داشته است که کسی مانند «تیم فلیپس» درباره‌اش بنویسد: «اگر او را در مقام پیشاز نسانس نادیده بگیریم اشتباه کرده‌ایم» (همان، ص ۱۰) و البته بماند که کسانی مانند «فردریک کبیر، لویی چهاردهم، ناپلئون، بیسمارک و هیتلر و…» طرفدار او بوده‌اند (همان، ص ۱۰) و البته هنوز هم کسانی هستند که از نظریات او دفاع می‌کنند و معتقدند: «نوشتن این کتاب درواقع واکنشی بوده که ماکیاولی در مقابل دنیای آن روزگار نشان داده است: او می‌خواست شهریاران کشورش قدرتمند باشند چون قدرت با خود ثبات می‌آورد.» (همان، ص ۱۰)

به بیانی، دستورالعمل‌های ماکیاولی چنان مورد توجه قرار گرفته است که «طی ناصدسالی که از مرگش می‌گذرد، افراد بسیاری در سراسر دنیا ایده‌های او را به کار بسته‌اند» (همان، ص ۱۱). باوجوداین، جالب است بدانید خیلی از کسانی که از دستورات ماکیاولی برای رسیدن به قدرت استفاده کرده‌اند، علاقه‌ای به افشای این مطلب ندارند (همان، ص ۱۱).

باوجوداین لازم است این را هم بگویم که در خیلی از موارد نیز تشابهاتی در رفتار برخی از سیاست‌مداران با دستورات ماکیاولی وجود دارد که نمی‌شود این اشخاص را به پیروی مستقیم از ماکیاولی متهم کرد، که در ادامه من به مواردی اشاره می‌کنم که بیشتر می‌تواند ناشی از طرز تفکر افراد باشد تا اجرای موبه‌موی



فرامین ماکیاولی. ولی در هر صورت وجود این شباهت‌ها که شاید در فرصتی دیگر به تفصیل به آن پرداخته شود، خالی از لطف نیست. در فصل ۵ کتاب «باب شهریار» ضمن آوردن دستورالعمل‌های ماکیاولی، سخنی از «آبراهام لینکلن» آورده می‌شود. از قول لینکلن آورده شده: «احساسات عموم مردم همه‌چیز است. با آن شکستی در کار نیست و بدون آن موفقیت محال است» (همان، ص ۲۵).

سخن لینکلن به‌عنوان چکیده‌ای از دستورات ماکیاولی آورده شده است. در این بیان «احساسات مردم» نشانه‌گیری شده است و نه عقل و علم و درایت آنها و البته در طول تاریخ ملل مختلف شاهد رفتارهایی از حاکمان مختلف بوده‌ایم که در جهت تحریک احساسات مردم انجام و گاه موجب پیروزی و زمانی به علت محاسبات غلط باعث شکست شده است. اما در این مورد خاص، در زمان ریاست آقای احمدی‌نژاد تحریک احساسات در مواردی بسیار ماهرانه انجام می‌شد که در اینجا فقط به دو مورد معروف اشاره می‌شود، چراکه مخاطبان از کل ماجرا بی‌خبر نیستند. اولین مورد، اظهارنظری بود از معاون اول وقت ریاست‌جمهوری که از قول یک عرب‌زبان نقل کرده بود که «اگر بنا بود بعد از حضرت محمد(ص) پیامبری برانگیخته شود آن شخص احمدی‌نژاد بود».

مورد دوم قضیه هاله نوری بود که اطراف آقای احمدی‌نژاد را احاطه کرده بود، که به نظر من این دو مورد در آن زمان کارکرد خاص خود را در میان دعوای آن مردم نشان دادند. علاوه بر اینها در همین کتاب آمده است: «باید با خشونت ملایمت برخورد کنید، ولی به قول ماکیاولی اگر به مشکلات اجازه دهید بزرگ شوند، هر اقدامی نوشداروی بعد از مرگ سهراب خواهد بود» (همان، ص ۲۷).

در خیلی از کشورها گران‌شدن برخی از اقلام مورداحتیاج مردم باعث بروز مشکلات زیادی می‌شود ولی به یاد داریم که در زمان ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد قیمت مواد غذایی به طرز سرسام‌آوری افزایش یافت و البته که در چنین زمانی به قول ماکیاولی ملایمت مؤثرتر از خشونت است و در زمانی که مثلاً کوجه می‌تواند خسران‌ساز باشد چه جوابی ملایم‌تر از اینکه رئیس‌جمهور بگوید: بهتر است، بیاید و از محله ما کوجه خرید کنید. به آخر به نکته‌ای از ماکیاولی اشاره می‌کنم بی‌آنکه مدعی باشم آقای احمدی‌نژاد حتی این نصیحت ماکیاولی را شنیده باشد یا اینکه مدعی باشم که ممکن است «مسکن‌های بی‌حساب‌و‌کتاب مهر» یا طرح نی‌سوز «یارانه» از این گونه نباشد. ماکیاولی در فصل سوم شهریار می‌گوید «ضعفا وارث زمین نیستند، ولی اگر از آنها حمایت کنید، به شما کمک می‌کنند تا وارث زمین باشید» (همان، ص ۳۱).